

جمع بندی آیات و روایات و ابیات دین و زندگی پیش دانشگاهی

فیروز نژادنجف - تبریز

درس اول

«يَتَأْتِيهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ* إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذَلِكَ عَلَى

اللَّهِ بِعَزِيزٍ

«انتم الفقراء الى الله» اشاره به این دارد که همه مخلوقات از جمله انسان، در وجود و هستی خود نیازمند خداست.

(فاطر ۱۵ تا ۱۷)

«والله هو الغني الحميد» اشاره به این دارد که تنها وجود بی نیاز خداست، او در هستی خود به دیگری محتاج نیست.

«ان یشأ یذهبکم ویات بخلق جدید» اشاره به این دارد که چون وجود مخلوقات وابسته به خداست (فقیر بالذات) اوست که می تواند آنها را ببرد و مخلوقات دیگری به جای آن بیاورد و یا اینکه آنها را نگه دارد.

چون وجود خداوند وابسته به چیزی نیست (علت) کسی نمی تواند وجود او را بگیرد و نابودش کند (معلول) او در ذات خود غنی و بی نیاز است.

«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور ۳۵)

هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه ای از آیات الهی محسوب می شود. این آیه بیانگر مشهود بودن خداوند در مخلوقات است.

این آیه ی مبارکه با احادیث زیر که بیانگر مشهود بودن خداوند در مخلوقات است، هم مفهوم اند.

«الحمد لله المتجلي لخلقه بخلقه»

«ما رایت شیئاً آناً و رایت الله قبله و بعده و معه»

آیه و احادیث فوق با این ابیات بیانگر یک مفهوم اند:

به هر چیزی که دید اول خدا دید

دلی کز معرفت نور و صفا داد

به دریا بنگرم دریا تو بینم

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

نشان از قامت رعنا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ۗ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ» (۲۵ روم)

برپا بودن آسمانها و زمین به امر خدا از نشانه های خداوند ذکر شده است و دلیل ذکر کردن آن نشانه ها این است که اگر خداوند اراده کند آسمانها و زمین را نابود خواهد کرد.

«هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَبَ بِكُمْ بَرِّحٌ طَيِّبَةٌ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ

الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ ۗ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۗ لَئِنْ لَمْ يَنْجِئْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ* فَلَمَّا

أَجْنِبُهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَتَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَّعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ
فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳-۲۲ یونس)

برخی انسانها در لحظات حساس و خطری که خودشان قدرت هیچ کاری را ندارند به یاد خدا می افتند.
توجه به خدا در چنین لحظاتی گویای این است که هر کس در **فطرت** خود، خود را وابسته به یک قدرت بی پایان و بی نیاز می یابد.

◀ پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «لا تفکروا فی ذات الله تفکروا فی کل شیء»

- ذات خداوند فراتر از توانایی دستگاه اندیشه ماست و در دایره شناخت ما قرار نمی گیرد زیرا **لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آنهاست.**

- شناخت صفات و ویژگی های خداوند از طریق شناخت مخلوقاتش (یا نعمت های او) **تا حدودی** ممکن است.

درس دوم

◀ قُلِ اللَّهُ خَلِيقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (مائده ۱۶)

«قل الله خالق كل شيء» اشاره به توحید در **خالقیت** دارد. (خداوند تنها مبدأ و هستی بخش جهان است).

«هو الواحد القهار» اشاره به اصل توحید (توحید ذاتی) داشته و آن اینکه خداوند یگانه است و شریک و همتایی ندارد.

◀ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (توحید ۱)

◀ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (توحید ۴)

هر دو آیه خداوند یگانه است و شریک و همتایی ندارد. (اشاره به اصل توحید (توحید ذاتی) دارد).

◀ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (آل عمران ۱۰۹)

چون خداوند خالق جهان است مالک آن نیز می باشد. (**توحید در مالکیت**)

◀ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا (کهف ۲۶)

فرمانروایی جهان از آن خداست و هیچ کس در فرمانروایی شریک او نیست. (**توحید در ولایت**)

◀ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ حَسْبُ الزَّارِعُونَ (واقعہ ۶۴-۶۳)

همه مخلوقات در کارهای خود نیازمند و وابسته به خداوند هستند، اما خداوند در اداره جهان به آنها نیازی ندارد.

خداوند که تنها خالق جهان است به طور طبیعی تدبیر و پرورش همه مخلوقات را در اختیار دارد.

خداوند است که جهان را اداره می کند و به سوی آن مقصدی که برایش معین فرموده هدایت می نماید و به پیش می برد.

اشاره به **توحید در ربوبیت** دارد و شرک در ربوبیت را نفی می کند. در توحید ربوبی کار انسانها مستقل نیست و در **طول** خداست.

درس سوم

◀ **إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ** (آل عمران ۵۱)

«این الله ربی و ربکم» اشاره به توحید در ربوبیت دارد.

«اعبدو» اشاره به توحید در عبادت دارد.

از عبارت «فاعبدو» درمی یابیم که توحید در عبارت معلول و نتیجه توحید در ربوبیت است.

◀ **اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا**

إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (توبه ۳۱)

عبارت «اتخذوا... مسیح بن مریم» اشاره به این دارد که شرک در ربوبیت در نهایت به شرک در عبادت منجر می شود و از این

جهت است که خداوند می فرماید به غیر از عبادت خدای واحد مأمور به عبادت کسی نبودید.

عبارت «ما امروا الا ليعبدوا...» اشاره به توحید در عبادت و نفی شرک عبادی دارد که نتیجه ی توحید در ربوبیت می

باشد.

◀ **وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ** (نحل ۳۶)

لازمه توحید در عبادت دوری از طاغوت است.

این آیه اشاره به توحید در عبادت در هر دو بعد اجتماعی و فردی دارد اما تأکید آن بر بعد اجتماعی است.

◀ **وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَنقَبَةُ الْأُمُورِ** (لقمان ۲۲)

توحید عملی در این آیه به هر دو بعد فردی و اجتماعی اشاره داشته اما تأکید آن بر بعد فردی است. چرا که به تحقق توحید

در یک فرد اشاره می کند.

◀ **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** (فاتحه ۲)

توحید در عبادت نتیجه ی توحید در ربوبیت است.

◀ **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** (فاتحه ۵)

این آیه تأکید کرده است بر توحید در عبادت.

◀ **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

کلمه توحید است و جامع همه ابعاد و اقسام توحید می باشد و این کلمه هرگونه شرک (شرک در خالقیت، شرک در ربوبیت و

شرک در عبادت) را نفی می کند.

بهای بهشت بوده و عامل رستگاری است.

دژ مستحکم خداوند معرفی شده است که ورود به آن انسان را از گناه حفظ کرده و از عذاب دور می‌کند. (علت دوری از گناه و عذاب است)

شرط ورود به آن دژ مستحکم از نظر امام رضا(ع) **ولایت (امامت)** می‌باشد

اساس و بنای اسلام است. مرکب از یک نفی «لا اله» و یک اثبات «ألا الله» است. نه به هر چیز غیر خدایی (لا اله) و آری به خدای یگانه به عنوان تنها کسی که سزاوار پرستش و اطاعت است.

درس چهارم

◀ **قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَىٰ تُمْ تَتَفَكَّرُوا** (سبأ ۴۶)

«آن تقوموا لله» تأکید بر این دارد که قیام باید **خالصانه** و برای خدا باشد.

◀ **إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ** (زمر، ۲)

«فاعبد الله» اشاره به **توحید در عبادت** دارد.

«مخلصاً له الدين» تأکید بر **اخلاص** در بندگی داشته و عبادت را در این حالت قبول دارد.

◀ **أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ**

مُسْتَقِيمٌ (یس ۶۱-۶۰)

این آیه به گرایش فطری انسان به بندگی خداوند و جایگاه اراده‌ی او در تحقق آن گرایش اشاره دارد. «اعهد الیکم» انسان همواره بر سر دوراهی بندگی خدا و بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی صحیح انتخاب یکی از آن دو راه است و خداوند در این آیه انسانهایی را که **گرایش فطری** پرستش خدا را که در خلقت آنها قرار داده شده است نادیده گرفته‌اند و بنده نفس و شیطان شده‌اند و از این گرایش فطری غافل شده و سرگرم امور دنیا گردیده‌اند، مورد سوال قرار می‌دهد و از آنها بازخواست می‌کند.

◀ **كَذَلِكَ لِيَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ** (یوسف، ۲۴)

اولین ثمره و میوه اخلاص عدم نفوذ شیطان در انسان و یاس او از فرد **با اخلاص** است (عدم نفوذ شیطان **نتیجه** (معلول- زائیده) اخلاص است)

خداوند حضرت یوسف را از بدی و فحشا حفظ کرد زیرا آن حضرت از بندگان مخلص خدا بود.

◀ **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ** (عنکبوت، ۶۹)

انجام عمل صالح از راه‌های (علل) رسیدن به اخلاص است و عبارت «فینا» اشاره به **اخلاص** دارد.

◀ **وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ** (ملک، ۱۰)

اولین قدم برای ورود به بندگی و رسیدن به اخلاص «**حق پذیری**» است (حق پذیری از **علل** و اولین راه رسیدن به اخلاص است.)

کسی که در مقابل حق تسلیم و خاضع شود به آسانی وارد مسیر بندگی می شود و به سرعت راه موفقیت را می پیماید. این آیه زبان حال کسانی است که راه ورود حق را در این عالم بسته اند و به جای پیروی از عقل از هوی و هوس پیروی می کنند و این عبارت را در قیامت در حال پشیمانی و حسرت بیان می دارند.

◀ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (طه ۱۴)

راز و نیاز با خدا و کمک خواستن از او از راههای (علل) رسیدن به اخلاص است و عبارت «لذکر» اشاره به اخلاص دارد.

◀ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (حشر، ۱۸)

◀ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ الْفَائِزُونَ (حشر، ۲۰)

◀ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي (فجر، ۲۷ تا ۳۰)

هر سه آیه اشاره دارند به یاد معاد و روز حساب به عنوان یکی از مؤثرترین راه ها برای تقویت عبودیت و رسیدن به اخلاص .

◀ پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «فيه المومن خير من عمله» نیت مومن برتر از عمل اوست.

عمل بدون نیت، کالبد بی جانی بیش نیست.

حسن فاعلی برتر از حسن فعلی و مقدم بر آن است.

◀ پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «یا بنی آدم انا غنی لا افتقر اطعنی فی ما امرتک اجعلک غنیاً لا تفتقر

یا بنی آدم انا حی لا اموت اطعنی فی ما امرتک اجعلک حیاً لا تموت

یا بنی آدم انا اقول للشیء کن فیکون اطعنی فی ما امرتک اجعلک تقول للشیء کن فیکون»

میوه ها و ثمرات وصف ناشدنی اخلاص عبارت اند از: ۱- بی نیازی انسان از دیگران ۲- رسیدن انسان به حیات معنوی ۳- قدرت تصرف در عالم طبیعت (اشاره دارد به رسیدن به مقام ولایت معنوی) که هر سه مورد از طریق (معلول) اطاعت کردن و بندگی خالصانه (توحید در عبادت) بدست می آیند.

همه این میوه ها و ثمرات وصف ناشدنی که از راه های عالی بندگی بدست می آیند.

- هم مفهوم است با این ابیات اند که:

تندرستی کن تا همه جانانت کنند	بندگی کن تا که سلطانت کنند
ای سلمان تا که مسلمانان کنند	همچو سلمان در مسلمانی بکوش
ترک این خو کن که انسانیت کند	خوی حیوانی سزاوار تو نیست
درد پیدا کن که درمانت کنند	چون نداری درد درمان هم خواه
که ستایش همچو یزدانت کند	بنده شیطانی و داری امید

درس پنجم

◀ **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا** (انسان ۳)

◀ **قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ** (انعام ۱۰۴)

اشاره به ویژگی اختیار انسان دارند و اختیار انسان با اختیار خدا در طول هم اند.

این دو آیه با ایات زیر هم مفهوم می باشند:

هیچ عاقل مگر کلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

گر نبودی اختیار این شرم چیست این دلیل و خجالت و آزر چیست

و آن پشیمانی که خوردی زان بدی ز اختیار خویش گشتی مهتدی

هیچ گویی سنگ را فردا بیا ورنیایی من دهم بد را سزا؟

این که فردا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

◀ **إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا**

غُفُورًا (فاطر ۴۱)

اشاره به **تقدیر الهی** دارد.

زمینه ساز شکوفایی اختیار، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است که **مهمترین** گام برای رسیدن به این درک، اعتقاد به خداوند حکیم، عادل و قادر است که با حکمت خود جهان را خلق کرده و آن را تدبیر و اداره می کند.

ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه او این اطمینان را به انسان می بخشد که جهان دارای حافظ و نگهبان است که اشتباه در کار او راهی ندارد.

کشتی جهان ناخدایی دارد که به **علت** علم و قدرت بی پایان او به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی رود و هیچ کس جز او نمی تواند آن را از نابودی نجات دهد.

بیت: «قطره‌های کن جو بیار می رود / از پی انجام کاری می رود» به قانونمند بودن جهان و **تقدیر الهی** اشاره داشته و با آیه فوق هم مفهوم است.

◀ **إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ** (قمر ۴۹)

هر چیزی در جهان دارای **خصوصیات و ویژگی‌های معین** است.

اشاره دارد به رابطه ی قضا و قدر و تقدم دومی بر اولی. (اگر در تست یک گزینه را بخواهد اولویت با قدر است.)

◀ هُوَ الَّذِي تَخِيءُ وَيُمِيتُ ۖ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (غافر ۶۸)

تمام پدیده های جهان به حکم و اراده خداوند بوجود آمده اند. این خداوند است که زندگی و مرگ به دست اوست، اگر اراده کند زنده می کند یا می میراند.

آیه اشاره به قضا **الهی** دارد.

◀ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ ۖ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (الجماعه ۱۲)

اشاره دارد به رابطه اراده و اختیار انسان با نظام قضا و قدر. (محدوده ی اختیار انسان را بیان می کند). مقصود از رام و مسخر بودن آسمانها و دریاها این است که آدمی با اختیار خود ویژگی ها و قانونمندی های آسمانها و دریاها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی ها ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی بسازد. علت حرکت کشتی ها در دریاها این است که متناسب با ویژگی ها و قانون های دریا ساخته شده است. انسان با بهره گیری از اختیار قوانین دریا را کشف کرده و بر آن تسلط می یابد.

◀ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ۗ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (یس ۴۰)

موجودات نمی توانند از قانونمندی های خود خارج شوند.

برخی تقدیرات و قانونمندی های حاکم بر جهان را بیان می کند. (اشاره به تقدیر **الهی** دارد).

درس ششم

◀ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (آل عمران ۱۳۷)

حیات فردی و اجتماعی انسان دارای سنت ها و قوانین است.

با مطالعه ی زندگی گذشتگان می توان این سنت ها را به دست آورد.

◀ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (عنکبوت ۲)

این آیه مربوط به سنت **امتحان** و **ابتلاء** است. هر کس ادعای ایمان کند در معرض امتحان و ابتلاء قرار می گیرد.

هم مفهوم این حدیث شریفه از امام صادق (ع) است که فرموده اند:

«انما المومن بمنزله كفه الميزان كلما زيد في ايمانه زيد في بلائه»

◀ كَلَّا نَمُدُّهُ هَتُوْلًا ۖ وَهَتُوْلًا ۖ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ ۗ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (اسراء ۲۰)

رحمت واسعه ی الهی به همه ی افراد جامعه چه نیکوکار و چه بدکار شامل می شود.

◀ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ خَيْرًا لَّأَنْفُسِهِمْ ۗ إِنََّّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزِدَادُوا إِثْمًا ۗ وَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (آل عمران)

(۱۷۸)

خداوند به کافران مهلت می دهد و آنان با **اختیار** از این مهلت برای افزایش گناهان خود استفاده کرده و آن را وسیله ای برای غوطه

ور شدن در تاریکی ها قرار می دهند. (سنت املا یا امهال)

◀ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (اعراف ۱۸۲ و ۱۸۳)

در سنت استدراج خداوند علاوه بر مهلت دادن، بر امکانات گمراهان می افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات و با اصرار خود، بیشتر در فساد فرو می روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته و تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک می شوند.

◀ مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ۖ وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُم لَّا يُظْلَمُونَ (انعام ۱۶۰)

مطابق سنت الهی خداوند از پاداش نمی کاهد و کیفر را بیشتر نمی کند و میان پاداش و کیفر تفاوت وجود دارد.

◀ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ (اعراف ۹۶)

مطابق سنت الهی رفتار خوب یا بد انسانها در سرنوشت آنها تاثیر دارد. تاثیر نیکی یا بدی در سرنوشت انسانها یک سنت اجتماعی نیز هست.

هم مفهوم این حدیث شریفه از امام صادق (ع) است که فرموده اند:

«من يموت بالذنوب اكثر ممن يموت بالآجال و من يعيش بالاحسان اكثر ممن يعيش بالاعمار»

◀ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنكبوت، ۶۹)

خداوند کسانی را که در راه او قدم بر می دارند به طور خاص هدایت می کند. اشاره به سنت توفیق الهی دارد.